



دهند. بسیاری از این کاندیداها مربوط به حوزه‌هایی هستند که اصلاح‌طلبان اعلام کردند شرکت نمی‌کنند و یا دست کم برخی از آن‌ها کاندیدای حوزه انتخابات تهران هستند که در آن جبهه اصلاحات اعلام کرده در تهران لیستی نداریم و بیانیه مذکور صریحاً مغایر با موضع اعلامی جبهه اصلاحات است.

نکته دیگر اینکه در عالم سیاست تنها کلام نیست که معنا و دلالت سیاسی دارد. اقدامات و اعمال و حتی حرکات نیز دلالت خود را دارند و انتشار این بیانیه بعد از اعلام موضع اصلاحات و حمایت آقای خاتمی در آستانه انتخابات دلالت سیاسی داشت. یعنی انتخاب زمان انتشار این بیانیه خود دلالت سیاسی دارد. اگر این بیانیه پیش از اعلام موضع اصلاحات و اعلام حمایت آقای خاتمی منتشر می‌شد و یا پس از انتخابات منتشر می‌شد، قطعاً از نظر سیاسی معنا و دلالت دیگری داشت. از طرفی امضاکنندگان این بیانیه در حالی از مردم خواستند به ۱۰۰ تن از کاندیداها رای دهند که تقریباً هیچ‌یک از آن‌ها را نمی‌شناسند و از کارنامه آن‌ها اطلاعی ندارند و حتی از امکان رای‌آوری آن‌ها در حوزه انتخابیه نیز مطلع نیستند... نتیجه اینکه انتشار این بیانیه پیش از انتخابات هیچ دستاورد مثبتی نداشت. اما پیامد منفی اعلام اختلاف راهبردی و مبنایی در درون جبهه اصلاحات دارد. البته برخلاف تبلیغات ژورنالیستی به‌عنوان جنبش روزنه‌گشایی و آن را جنبش نامیدن، شعاع این بیانیه از حد الیت‌نخبگان فراتر نرفته و تأثیری در نتایج از پیش مقرر شده انتخابات ندارد. تنها اثر این بیانیه ایجاد فاصله بیشتر میان بخش‌های اکثریت و اقلیت اصلاح‌طلبان بود. به همین سبب این حرکت در صورت تداوم به انشعاب ختم می‌شود، نه اینکه این بیانیه اعلام انشعاب باشد.

استدلال حاکمیت برای حرکت به سمت رقابت حداقلی
بسیار کنترل شده، چیست و این وضعیت را تا کجا ادامه خواهد داد؟

همانگونه که در خود سوال نیز اشاره شده، دست کم از انتخابات مجلس یازدهم در سال ۹۸ و انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ شاهد نقطه‌عطفی در عرصه سیاست‌های رسمی کشور هستیم که به سمت انتخابات هر چه محدودشده‌تر و کنترل‌شده‌تر با رقابت حداقلی پیش می‌رود و علت آن را باید در الگوها و ایده‌هایی جست‌وجو کرد که حاکمیت دنبال می‌کند. این الگوها تئوریزه نیز شده است. برای مثال در برخی از محافل تحت عنوان حرکت به سمت تمدن اسلامی و شکل‌گیری جامعه و حکومت اسلامی مطرح شده است. گام‌هایی به سوی تمدن اسلامی از تشکیل دولت اسلامی و پس از آن شکل دادن به جامعه اسلامی شروع و ادامه پیدا می‌کند تا به سمت تمدن اسلامی پیش برود. البته که این ایده سوسپه‌های خارجی نیز دارد که ضدیت با مدنیت غرب به‌عنوان عامل مخالف و متضاد با تمدن اسلامی که تا زمانی که این تمدن غربی وجود دارد، اجازه شکل‌گیری و پیدایش تمدن اسلامی را نمی‌دهد و این الگوها و ایده‌ها باعث نزدیک شدن اتحاد استراتژیک ایران شده است که به سمت روسیه و چین برود و در جنگ اوکراین در کنار روسیه قرار بگیرد که تا جای ممکن غرب تضعیف شود. همین رویکرد باعث شد برجام به جایی نرسد و متوقف شود؛ با وجود آنکه در آستانه توافق بود، جلوی آن گرفته شد و در دولت کنونی نیز حدود دو سال متوقف شود. در سویه داخلی نیز برای شکل دادن به جامعه اسلامی، خالص‌سازی و ویژه‌گزینی با روندی گسترده ادامه پیدا کرده است. لازم‌ویژه‌گزینی و خالص‌سازی نیز طبیعتاً انتخابات محدود با مشارکت محدود است. البته فکر نمی‌کنم این روند زیاد ادامه پیدا کند چرا که روند ویژه‌گزینی و خالص‌سازی موجب ناکارآمدی و روی کار آمدن نیروهای بی‌کفایت و معطل ماندن ظرفیت‌های اجتماعی می‌شود و مشکلات، بحران‌ها و اعتراضات را در کشور دامن می‌زند و کشور را به سمت مسیر خوبی سوق نمی‌دهد. به نظر می‌رسد که این روند در جایی متوقف خواهد شد و جریان‌های حاکم به این نتیجه خواهند رسید که این روند به سمت فروپاشی و انحطاط است و در نتیجه می‌شود امیدوار بود که در جایی این روند متوقف شود. شاید چندان طول نکشد و در انتخابات آینده شاهد گشایش‌های محدودی باشیم که نظم دسترسی محدود را ممکن کند.

حداقل‌های لازمی که از آن یاد می‌کنید، آیا در چارچوب قانون اساسی و قانون انتخابات جمهوری اسلامی قابل تحقق است؟ تفاوت‌های این انتخابات مجلس را با انتخابات‌های مشابه در دهم - که اصلاح‌طلب‌ها از آن استقبال کردند - دقیقاً چه مواردی می‌دانید؟ واکنش شما به تحلیلی که می‌گوید «اصلاح‌طلب‌ها همواره تلاش می‌کنند که مشروعیت هر انتخاباتی که می‌دانند در آن پیروز نخواهند شد را به چالش بکشند و این خلاف اصول مردم‌سالاری است»، چیست؟

طبیعتاً قانون اساسی جمهوری اسلامی دارای اشکالات قابل توجهی است و قانون انتخابات نیز به مراتب اشکالات فوق‌العاده‌ای دارد که نیاز به اصلاح دارد. در عین حال فکر می‌کنم جزو آن دسته از کسانی نیستند که هر گونه فعالیت سیاسی یا امیدی را به توفیق فعالیت سیاسی منوط کنند به تغییر قانون اساسی و فکر می‌کنم قانون اساسی ما ظرفیت‌های دموکراتیک و قابل توجهی دارد و

در کنار نارسایی‌ها و مشکلاتی که می‌شود از آن‌ها استفاده کرد و در شرایط مقتضی نیز می‌توان اصلاح این قانون را در دستور کار قرار داد. اما با همین قانون اساسی و ظرفیت‌های دموکراتیک نیز می‌توان امیدوار بود که گشایش‌هایی صورت گیرد به‌ویژه اگر به این نکته توجه کنیم که در واقعیت آنچه که تعیین‌کننده است، موازنه واقعی قوا است و نه ساختار حقوقی، بلکه ساختار حقیقی مهم است. لذا اگر موازنه قوا و نیروهای سیاسی و اجتماعی تغییر کند، طبیعتاً در چارچوب همین قانون اساسی نیز حاکمان می‌توانند قانع و وادار شوند تا گشایش‌هایی را ایجاد کنند. کما اینکه در سال ۷۶ شاهد آن بودیم و در سال ۹۲ و ۹۴ نیز در سطح محدودتری رخ داد اما در مورد این انتخابات با انتخابات‌های گذشته، روند اصلاح قانون انتخابات و جهت‌گیری مراجع نظارتی و اجرایی به سمت بسته‌تر شدن و محدودتر شدن قدرت انتخاب مردم، چه در حوزه انتخاب کردن و چه در حوزه انتخاب شدن، پیش رفته است. اصلاح قانون اساسی و پیش‌ثبت‌نام‌ها دست حاکمیت و مراجع نظارت و اجرایی را باز گذاشت تا هر تصمیمی می‌خواهند برای بررسی صلاحیت‌ها بگیرند و این اتفاق نیز رخ داد و آنچه که پس از اعتراضات زیاد شاهد آن بودیم و نظرسنجی‌ها نشان داد که جامعه با انتخابات قهر است و شرکت در انتخابات زیر ۴۰ درصد است، تلاش کردند که به‌نوعی نشان دهند بررسی صلاحیت‌ها با معیارهای منعطف‌تری صورت گرفته است. اما آنچه در واقعیت رخ داده، افزایش بی‌سابقه کمیت تأییدصلاحیت‌ها بدون اینکه کیفیتی داشته باشد، بوده است. یعنی مشاهده می‌کنید که در بین تمامی احزاب منتقد، تقریباً هیچ‌یک از کاندیداهای اختصاصی تأییدصلاحیت نشدند. تفاوت دیگر نیز قهر جامعه با انتخابات است. در چنین شرایطی نمی‌شود اجرای یک انتخابات نسبتاً دموکراتیک را انتظار داشت. البته این اتهامات در عرصه سیاست متداول است که اصلاح‌طلب‌ها چون نتوانستند پیروز انتخابات شوند، آن را به چالش کشیدند. اما در انتخابات‌های سال ۹۲ و ۹۴ و ۹۶ که حتی کاندیدای اختصاصی هم نداشتیم سعی کردیم از فضاهای موجود استفاده و در انتخابات شرکت کنیم و خواسته‌ها و اهداف خود را بی‌بگیریم. در انتخابات سال ۹۴ مجلس آنقدر اصلاح‌طلب‌ها را ردصلاحیت کردند که فراخوان عمومی دادیم یعنی حتی در این شرایط حداقلی نیز اصلاح‌طلب‌ها حاضر شدند در انتخابات شرکت کنند اما وقتی شرایط به‌گونه‌ای پیش می‌رود که این حداقل‌ها نیز دریغ می‌شود، چه در مرحله تأییدصلاحیت‌ها و چه در مرحله انتخابات، آن‌وقت برای شرکت در انتخابات باید ملاحظاتی در نظر گرفته شود و در مورد آن تصمیم‌گیری کرد.

مرز که شما برای امکان و مطلوبیت حضور در انتخابات قائل هستید، آنجایی است که نیروهای نزدیک به اصلاح‌طلبان با تعریف شما و نزدیک به تشکیلات شما در آن حضور داشته باشند. بدو امر هم این موضوع موضع سیاسی بدی نیست؛ شاید هم تا تکنیک درستی باشد.

در پاسخ وجود اختلاف نظر‌ها در جبهه اصلاحات و احزاب اصلاح‌طلب انکار نمی‌کنم و اختلافات وجود دارد. طبیعتاً اختلاف اقتصادی و دیدگاهی وجود دارد و از گرایش‌های سوسیال‌دموکراسی تا دموکراسی لیبرال در حوزه اقتصاد در جبهه اصلاحات داریم، اما اصلاح‌طلبان نشان دادند که وقتی مجلس در دولت حضور دارند، برای مثال در دولت اصلاحات، نتوانستند به یک توافق بر فرض مثال در حوزه اقتصاد برسند که هم ضامن توسعه کشور و هم از میزان فقر بکاهد و عدالت هر چه بیشتر حاکم شود. در عرصه سیاست خارجی نیز رویکرد اصلاح‌طلبان واقع‌بینانه بوده است. اصلاح‌طلبان به گمان من همان اصلاح‌طلب‌ها هستند و اختلافات در حدی نیست که باعث انشعاب آن‌ها شود. البته انشعاب را نمی‌کنم و در عالم سیاست این امور پذیرفته شده است که وقتی در یک مجموعه اختلافات بنیادین وجود داشته باشد، آن مجموعه نمی‌تواند به کار ادامه دهد و با تغییر شرایط همکاران و همفکران سابق ممکن است به دیدگاه‌های جدیدی برسند که انشعاب را لازم و ضروری کند که موضوع بدی نیست. ممکن است ما به چنین شرایطی برسیم، اما در شرایط فعلی در چنین موقعیتی قرار نداریم.

سخن‌گوی جبهه اصلاحات گفتند علت عدم شرکت «عدم امکان ارائه لیست» است. این استدلال زمانی قابل دفاع بود که ثبت‌نام می‌کردند و بعد ردصلاحیت می‌شدند. اولاً برای ثبت‌نام تشویق نکردند و ثانیاً هنوز ده‌ها نامزد اصلاح‌گرا و میان‌رو در کشور حضور دارند.

صحبت‌های سخن‌گوی جبهه اصلاحات از نظر من دقیق و کماکان قابل دفاع است چرا که از بین انبوه فله‌ای که ردصلاحیت شدند، در سراسر کشور حداکثر با انعطاف و مسامحه‌آمیزی می‌توانید حدود ۳۰ نفر را پیدا کنید که شاید بتوانند دیدگاه‌های اصلاح‌طلبانه را نمایندگی کنند. ما در جبهه اصلاحات احزابی که خواهان مشارکت در برخی از حوزه‌ها بودند، مثل کارگزاران، اعلام کردند که در سراسر کشور بیش از ۳۵ نفر نامزد ندارند که بتوانند به‌عنوان کاندیدای اختصاصی خود مطرح کنند. ۱۰۰ نفری که اعلام کردند همگی از جریان اصلاح‌طلب نبودند و دیدگاه‌های

متفاوتی داشتند و قطعاً نمی‌توانستند مطالبات اصلاح‌طلبانه را نزدیک به اصلاح‌طلبانه را اگر موفق شوند به مجلس راه پیدا کنند، دنبال کنند.

آی‌اعدم ارائه فهرست و بیان رئیس جبهه اصلاحات مبنی بر اینکه «کنار مردم می‌مانیم»، مقدمه‌ای برای حضور جدی اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری است؟

قبیل از اینکه جبهه در قبال این انتخابات اعلام موضع کند، بیانیه‌ای تحت عنوان راهبرد انتخاباتی جبهه اصلاحات در قبال انتخابات ۱۱ اسفند را منتشر کرد. تمام بحث ما مربوط به انتخابات ۱۱ اسفند بود. جبهه اصلاحات اساساً نمی‌تواند با انتخابات قهر کند؛ انتخابات در کانون پروژه اصلاح‌طلبی و اصلاح‌طلبان قرار دارد و لذا تمام تلاش اصلاح‌طلبان این است که به‌گونه‌ای کنشگری کنند که شرایط مطلوبی ایجاد و بتوان در انتخابات شرکت کرد، لذا تمام تلاش اصلاح‌طلبان این خواهد بود که انتخابات آینده در شرایطی برگزار شود که اصلاح‌طلبان بتوانند در آن شرکت کنند و یکی از عوامل مشوق اصلاح‌طلبان برای شرکت در انتخابات ترمیم پایگاه سرمایه اجتماعی‌شان است و باید به این سرمایه اجتماعی توجه داشته باشند و در جهت بازسازی اعتماد از دست‌رفته تلاش کنند.

برخی از تحلیل‌گران در جریان مخالف قائل به دوگانه صندوق یا خیابان هستند و از سوی آقای حجازیان گفته‌اند که میان صندوق و خیابان منزل‌های مختلفی است. اگر معتقد به این گفته ایشان هستید، چه منزلی وجود دارد و برای بازگشت سیاست به صندوق رای چه باید کرد؟

دوگانه‌هایی مثل اصلاحات جامعه‌محوری و اصلاحات صندوق محوری یا کنش‌های صندوق‌محور و خیابان‌محور، دوگانه‌هایی بسیار کاذب هستند و اساساً این دوگانه‌ها آفت تفکر و اندیشه سیاسی و عمل سیاسی هستند. می‌توانیم بگوییم فرضاً اصلاح‌طلب‌ها بین اصلاحات جامعه‌محور و اصلاحات قدرت‌محور، تمایز قائل شوند اما اصلاحات جامعه‌محور و صندوق‌محور هیچ تعارضی با هم ندارد و اصلاح‌طلب‌ها در واقع نیرویی هستند که به دنبال اصلاح نظام و سیستم هستند و معتقدند هرگونه حرکت رادیکال و معطوف به کنش‌های براندازانه و خشونت‌طلبانه نه ممکن است و نه مفید و کشور را با فاجعه مواجه خواهد کرد. بنابراین اصلاح‌طلبان هم به تعامل با حاکمیت به‌عنوان یک واقعیت واقف هستند و هم پایی در جامعه دارند و جامعه را مخاطب خود می‌دانند و در جهت بسط پایگاه اجتماعی خود تلاش می‌کنند و تمام کنش خود را متمرکز بر صندوق نمی‌کنند. فعالیت‌های زیادی وجود دارد و من هم با آقای حجازیان موافقم که منازل زیادی وجود دارد که برخی از آن‌ها موجود است و برخی از آن‌ها را اصلاح‌طلبان با ابتکاری که به خرج می‌دهند، باید بتوانند خلق کنند. ما در جامعه و نظامی هستیم که راه اصلاحات باریک است و باید بتوانیم خلافتانه ظرفیت‌هایی را برای پیشبرد پروژه اصلاح‌طلبی تأمین کنیم.

چرا جبهه اصلاحات در زمان پیش‌ثبت‌نام اعلام کرد تصمیم برای مشارکت ندارد و عملاً تعداد بسیار اندکی از اصلاح‌طلبان کاندیدا شدند؟

اساساً ارزیابی ما از روند اصلاح قانون انتخابات و پیش‌ثبت‌نام و ارزیابی ما از همه اینها این بود که سمت و سوی تحولات به سمت یک مجلس بسته‌تر و خالص‌تر است و کما اینکه در صحبت‌ها و سخنرانی‌ها این موضوع تصریح می‌شد که مجلس دوازدهم باید انقلابی‌تر و خالص‌تر از مجلس قبل باشد و با مشخص شدن نتیجه انتخابات بهتر می‌توانید درباره این تصمیم تحلیل و صحبت کنید.

آیا ثبت‌نام نکردن در انتخابات و کناره‌گیری عملی از کنشگری انتخاباتی از ماه‌ها قبل مصداق قهر از انتخابات نبود؟

به گمان بنده نه! البته کناره‌گیری عملی از کنشگری انتخابات نداشتیم و درباره این انتخابات اتفاقاً فعال بودیم و موضع‌گیری کردیم. کنشگری درباره انتخابات لزوماً به شرکت در انتخابات ختم نمی‌شود و لزوماً به معنای شرکت در انتخابات نیست، بلکه به معنای استفاده از فضای انتخابات برای بیان دیدگاه‌ها و نظرات است که جبهه اصلاحات این کار را انجام داد. اصلاح‌طلبان تقریباً در زمان اجرای قانون پیش‌ثبت‌نام هم اعلام نکردند که ما شرکت نمی‌کنیم، یک موضع کاملاً محتاطانه گرفتند و موضع نهایی خود را در بهمن‌ماه اعلام کردیم که لیست نمی‌دهیم و اینگونه نبود که از چند ماه قبل اعلام کرده باشیم از انتخابات کناره‌گیری می‌کنیم.

آیا اتخاذ رویکردهایی که معتقدید شما را مجبور به عدم معرفی کاندیدا کرده است را محدود به بخش‌هایی از نظام نظیر شورای نگهبان می‌دانید یا این سلسله‌اتفاقات به‌ویژه انتخابات ۹۸، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۲ را معلول تغییر ریل کلی در سیاست نظام می‌دانید؟ اگر این تغییر ریل را محصول اراده هسته سخت قدرت می‌دانید چرا مستقیماً با رهبری وارد مکاتبات و دیالوگ نمی‌شوید؟

معتقدم شرایطی که الان بر انتخابات حاکم است، ناشی از تغییر ریل کلی در سیاست‌های نظام است و مختص شورای نگهبان نیست. در این زمینه اتفاقاً برخی از احزاب اصلاح‌طلب مستقیماً با مقام رهبری سخن گفتند، نامه نوشتند و سوال کردند و خواهان اصلاح این روند شدند و فکر می‌کنم در این زمینه اصلاح‌طلب‌ها شفاف عمل کردند و چیزی برای پنهان کردن نداشتند. برخی از احزاب اصلاح‌طلب چندین نامه، چه به صورت خصوصی و چه به صورت علنی نوشتند. متأسفانه وضعیت موجود معلول تغییر ریل کلی در سیاست‌های نظام است و امیدواریم هر چه زودتر این سیاست تغییر کند؛ چرا که ادامه این سیاست و جهت‌گیری به نفع کشور و جامعه ایران نیست.



در شأن ملت ما نیست

آیت‌الله عبدالله جوادی‌آملی در دیدار اخیر خود با جمعی از مسئولین شهرستان آمل، در خصوص انتخابات گفت: «باید در همه مناسبت‌ها و عناوینی که در استقلال مملکت، امنیت مملکت و بزرگی این مملکت دخیل هستند مانند انتخابات و غیرانتخابات، حضور فعال داشته باشیم. امروز همه ما موظفیم وحدت خود را حفظ کنیم، نه بیراهه برویم و نه راه کسی را ببندیم.» وی تأکید کرد: «این نکته را بدانیم که ما مردان ایران، مردان بزرگی هستیم، شناسنامه داریم، تاریخ داریم، جغرافیا داریم. این وکلای ما، این مسئولین ما، باید بدانند که این گونه اداره کردن‌ها با گرانی و امثال ذلک، در شأن ملت ما نیست و نباید ملت این قدر رنج بکشند، ما آن قدر قدرت داریم که بتوانیم خودمان را خوب اداره کنیم.» آیت‌الله جوادی‌آملی در ادامه تصریح کرد: «در همه مسائل اجتماعی ما باید به فکر استقلال کشور، امنیت کشور، عظمت کشور و جلال و شکوه کشور باشیم و بنینیم که خدای ناکرده یک جهانی نسبت به دین و امثال ذلک بی‌مهر است، برای اینکه شرف ما به وسیله همین‌ها است؛ حالا یکی از نمونه‌ها مسئله انتخابات است. اگر همه مانند شهدا فکر بکنند، نه بیراهه می‌روند و نه راه کسی را می‌بندند و نه کاری را که از آنها بر نمی‌آید قبول می‌کنند و نه خدای ناکرده دست‌شان به جیب کسی می‌رود و نه به فکر اختلاس و اینها خواهند بود!»



تأیید صلاحیت‌های قطر‌های

عباس عبدی، تحلیلگر مسائل سیاسی در حساب ایکس خود نوشت: «سخن‌گوی شورای نگهبان: آنهایی که قبلاً گفته بودند کسی را نداریم، الان فهرست‌های متعددی ارائه می‌کنند.» معلوم شد این تأییدصلاحیت‌های قطر‌های هم برای گفتن چنین گزاره‌ای بود. ششورا سیاسی‌ترین نهاد است، و بر حسب مصلحت سیاسی، برخی از افراد را یک در میان تأیید و رد می‌کند.»



پیش‌بینی از فرای پس از انتخابات

احمد زیدآبادی، فعال سیاسی در کانال تلگرامی خود نوشت: «امروز می‌گذرد و به احتمال زیاد، فردا همه طرف‌های منازعه قدرت اعلام پیروزی مطلق یا نسبی می‌کنند! با این همه، از فردا در هر سطحی از نهادهای حکومتی، تصمیم غلط یا محدودکننده یا مخربی گرفته شود، نیروهای منتقد اما مدافع شرکت در انتخابات نادر خواهند داد که این هم نتیجه عدم شرکت در انتخابات! حاصل نرفتن پای صندوق‌های رای را بچشید تا دندان‌نرم نشود! از آن طرف، حامیان عدم شرکت یا تحریم هم درست از همین منطق پیروی می‌کنند و فریاد می‌زنند: اگر در روز انتخابات همه‌تان در خانه می‌نشستید و از دادن حتی یک رأی نیز دریغ می‌کردید، به این بلاها و گرفتاری‌ها دچار نمی‌شدید، پس حقتان است توی سرتان بزنند!» وی در ادامه افزود است: «بدین ترتیب، یک شهروند عادی در این کشور چه رأی دهد و چه رأی ندهد، در هر حال محکوم است و همه مصائب و مشکلات به پای او نوشته می‌شود!»